



دیدگاه

شماره: ۵۵۲	موضوع: افزایش جمعیت و اقتصاد
تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵	
تهیه و تنظیم: احمد اخوی	
توضیح اجمالی:	
<p>جمعیت از این لحاظ که خاستگاه نیروی کار و حامل سرمایه انسانی است، متغیر مهم طرف تولید و عرضه اقتصاد است. در این مفهوم هرچه کیفیت جمعیت فعال و کمیت آن به تبع تعداد و ترکیب افزایش یابد، ظرفیت اقتصاد و تولید افزایش می یابد. اما جمعیت متغیر مهم طرف تقاضای اقتصاد نیز هست و متناسب با تعداد و جوانی سن، سطح و ترکیب مصرف و تقاضا را افزایش می دهد و چنانچه طرف عرضه اقتصاد با مازاد تولید روبرو باشد عامل ایجاد تعادل و رفاه در سطح بالاتر است. جمعیت بالقوه فعال بین سن ۱۵ تا ۶۵ سالگی قرار دارد. اما نظر به استقبال نوجوانان از باسوادی و افزایش میانگین تحصیلات جمعیت، سن کار از ۲۰ سالگی به بالا شروع می شود و تازه بخش مهمی از جمعیت ۲۰ تا ۲۵ سال نیز به عنوان ضعیف ترین بخش جمعیت فعال بیکار می مانند. به این ترتیب، هرچه سهم گروه سنی زیر ۲۰ سال و بطور مؤکدتر گروه زیر ۱۰ سال از کل جمعیت افزایش می یابد، اگر چه به ظاهر ساخت سنی جمعیت جوانتری را نشان می دهد، لکن در واقع فشار بیشتر بر سرپرست خانوار به جهت هزینه های مصرفی و سرمایه گذاری لازم برای پرورش و آموزش کودکان و نوجوانان را منعکس می سازد. این وضعیت در شرایط کساد اقتصادی و بیکاری گسترده جز به معنای افزایش سهم مصرف از تولید و تقاضا در جامعه نیست. روندی که کاملاً بر خلاف نیاز فعلی اقتصاد به پس انداز است. این روند، ترکیب اقتصاد ملی را از کالاهای تولیدی و مصرفی بادوام به کالاها و خدمات مصرفی و از جمله افزایش نسبت خدمات آموزشی و تفریحی تغییر می دهد. پدیده ای نامتناسب با نیاز مبرم اقتصاد کشور به کاهش فشار مصرف و تورم و افزایش تولید و سرمایه گذاری. اگر چه معتقدیم در بلند مدت، آموزش را باید نوعی سرمایه گذاری روی جمعیت آینده دانست. برخی از تبعات این روند جمعیتی عبارت است از:</p>	
نکات کلیدی:	
<ol style="list-style-type: none"> ۱. افزایش نسبت جمعیت زیر ۷ سال در اقتصادهای با درصد بالای بیکاری جوانان عملاً باعث افزایش بار تکفل (نسبت جمعیت غیر فعال به جمعیت شاغل که صحیح تر آن نسبت جمعیت بیکار و غیرفعال تقسیم بر جمعیت شاغل است) و فشار بیشتر به سرپرست خانوار می شود. ۲. افزایش نسبت جمعیت غیر فعال و بیکار، ساخت سنی جمعیت را به نفع مصرف و به زیان پس انداز تغییر می دهد و عملاً سبب کاهش معیشت کاهش و پس انداز برای دوران از کار افتادگی می شود. ۳. اگر نرخ بیکاری جوانان در حد بالای فعلی باقی بماند، نرخ مهاجرت مردان جوان بیش از زنان افزایش می یابد و این تغییر در ترکیب جنسی جوانان (افزایش نسبت زنان جوان) در شرایط فعلی که درصد بیکاری مردان جوان ۲۴ درصد و زنان جوان بالای ۵۰ درصد است باعث می شود، سطح مزد واقعی و زندگی جوانان همچنان پایین و وابسته به پدران، باقی بماند. ۴. افزایش نرخ مهاجرت جوانان به خارج از کشور باعث کاهش ظرفیت تولید و رشد اقتصادی بلند مدت می شود که به طور خودکار کاهش تاهل و زاد و ولد را در پی خواهد داشت. در حالی که کشورهای مقصد مهاجرت همچنان با کمترین سرمایه گذاری، نیاز خود به کار جوانان، سرمایه انسانی و ظرفیت تولید خود را برطرف خواهند ساخت. ۵. به این ترتیب، شرط لازم برای جوان سازی ترکیب جمعیت در تطبیق با نیاز عملکردی اقتصاد، سرمایه گذاری و جذب جوانان موجود به تولید است، یا بهتر بگوییم اول برای حفظ و جذب جوانان موجود باید کار کرد، سپس افزایش آنها. 	
تولید رئیس موسسه:	تولید رئیس گروه مشاوران: